

بررسی تحلیل فضایی گسترش فقر شهری در شهر تبریز طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵

شهریور روستایی^{۱*}، حسین کریم زاده^۲، فاطمه زادولی^۳

^۱دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

^۲استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

^۳دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۴/۵/۲۱

چکیده

شهری شدن فقر از بزرگ‌ترین چالش‌های توسعه جهانی است که در صورت تداوم روند نامطلوب کنونی، در طی سه دهه آتی شامل دو میلیارد نفر ساکنان نواحی فقیرنشین خواهد شد. شهر تبریز امروزه به‌عنوان پنجمین شهر پرجمعیت ایران می‌باشد که دچار شهرنشینی و شهر گرایی سریع شده است و این خود باعث کمبود خدمات و دسترسی امکانات به شهروندان بوده و نمود عینی فقر را می‌توان در محلات سیلاب، یوسف‌آباد، خلیل‌آباد، و... مشاهده کرد. بنابراین بررسی گسترش فضایی فقر در محدوده قانونی شهر تبریز ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. روش پژوهش کاربردی از نوع توصیفی-تحلیلی-تطبیقی است که برای شناخت و سنجش فقر از تکنیک خودهمبستگی فضایی با استفاده از تحلیل لکه‌های داغ در نرم‌افزار Arc/GIS استفاده گردیده است. برای تحلیل الگوهای پراکنش فقر شهری از آماره موران استفاده شده است. همچنین برای سنجش تغییرات فضایی فقر بر اساس شاخص‌های اجتماعی و کالبدی طی بازه زمانی ۸۵-۱۳۷۵ از روش Crosstab در محیط نرم‌افزار IDRISI استفاده گردیده است. برای شناخت محدوده مورد مطالعه از منظر تحلیل سازمان فضایی فقر شهری از اطلاعات بلوک‌های آماری سال ۱۳۸۵-۱۳۷۵ و از ۳۰ شاخص اجتماعی، اقتصادی و کالبدی استفاده گردیده است. همچنین یافته‌های نشان می‌دهد که توزیع فقیر شهری در فضاهای شهر تبریز از مدل خوشه‌ای پیروی می‌کند و خوشه‌های مرفه نزدیک به مرکز شهر گرایش دارند و خوشه‌های فقیر در حاشیه شهر پراکنده گشته‌اند که اختلاف و شکاف طبقاتی در برخورداری از این شاخص‌ها را نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: تحلیل فضایی، فقر شهری، آمار فضایی، تبریز.

مقدمه

بی‌شماری را به همراه داشته، یکی از مهم‌ترین معضلات شهری شکل‌گیری پدیده‌ای به نام فقر شهری است (زنگنه، ۱۳۸۹: ۱). تحولات اجتماعی و اقتصادی، رشد سریع جمعیت و شهرنشینی شدن شتابان آن در دهه‌های اخیر در ایران، پدیده فقر شهری و نابرابری‌های اجتماعی و اختلاف شدید طبقاتی را به‌عنوان یکی از خصیصه‌های زندگی شهرهای جهان‌سومی بر زندگی شهری عارض نموده است، به طوری که مبارزه با آن به عنوان یکی از سیاست‌های کلان نظام برنامه‌ریزی کشور هم در برنامه‌های کوتاه‌مدت و هم استراتژی‌های درازمدت قلمداد می‌شود. کاهش فقر یک نگرانی جهانی، و در واقع یکی از مهم‌ترین اهداف کشورهای کم‌درآمد و مؤسسات مالی بین‌المللی است (Simler, 2003: 1). در حال

در دهه‌های گذشته، رشد شهرنشینی و شهر گرایی، در کشورهای در حال توسعه، شتابان بوده است (Masika, 2001: 3). شهرنشینی، یکی از دستاوردهای بزرگ فرهنگ و تمدن و یکی از پدیده‌های فراگیر اجتماعی در عصر حاضر به شمار می‌رود که پیامدهای از جمله نابرابری‌های اجتماعی، فقر، افزایش فساد و جرم و جنایت، بحران‌های زیست محیطی، نابرابری و اختلاف طبقاتی، نبود رفاه اجتماعی، مرگ و میر زودرس در کودکان و مادران، بد مسکنی و بی‌مسکنی، اسکان غیررسمی و... را می‌توان در این مقوله مورد بررسی قرار داد. شهرنشینی سریع مسائل و مشکلات

بوده و نمود عینی فقر را می‌توان در محلات سیلاب، یوسف‌آباد، خلیل‌آباد، داداش‌آباد، مارالان، حافظ، طالقانی، لاله، آخماقیه، کشتارگاه، عباسی و... مشاهده کرد، بنابراین با توجه به مطالب بیان‌شده سنجش فضایی فقر شهری در محدوده قانونی شهر تبریز طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵ ضروری به نظر می‌رسد. پرسش اساسی که در این تحقیق مطرح است، این است که پراکنش فقر در بلوک‌های شهری تبریز از چه الگویی تبعیت می‌کند؟

پیشنه تحقیق

در ایران، پدیده فقر شهری کمتر به صورت یک مسئله نگریسته شده است. و در کشورمان فقر، بیشتر در حوزه‌های اقتصادی و بهداشتی مطرح شده است تا در عرصه جغرافیایی یا در حوزه‌های شهری. البته از برخی از این تحقیقات می‌توان مطالبی را درباره فقر شهری به دست آورد، آنچه از پیشینه تحقیق تا حدودی در ارتباط با موضوع مقاله می‌توان اشاره نمود به قرار زیر است:

- راولیون^۱ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای تحت عنوان "فقر شهری" پرداخته است که در این مقاله فقر در روستا و شهر مورد مقایسه قرار گرفته است و بیان شده است که خط فقر در شهر حدود ۳۰٪ بیشتر از نقاط روستایی آن است. همچنین در این مقاله به این مطلب اشاره شده است که تجارب کشورها به طور کلی با این دیدگاه که افزایش سهم جمعیت ساکن در مناطق شهری نقش مثبتی در کاهش فقر ایفا می‌کند، سازگار است.

- جواهری و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان "رویکرد فازی و پهنه‌بندی فقر چندبعدی در فضاهای شهری (نمونه موردی: شهر کامیاران)" به سنجش چندبعدی فقر پرداخته‌اند در این پژوهش برای سنجش چندبعدی فقر، از ۷۰ شاخص اقتصادی و درآمدی، مسکن، مالکیت دارایی، بهداشت و سلامت، و دانش و مهارت استفاده شده است. و نتایج حاصل

حاضر سهم بخش شهری از کل فقرا در حال افزایش است (Ravallion, 1998: 1). جدیدترین گزارش بانک جهانی حاکی از آن است که تعداد فقرای جهان کم شماری شده است. تعداد افراد فقیر (که با درآمد کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند) در دهه گذشته به سختی کاهش یافته است و حدوداً نزدیک ۱,۲ میلیون یا بیشتر از یک در هر ۵ ساکن جهان است. بنابراین فقر در خیلی از کشورهای فقیر مستحکم‌تر می‌شود (Spoor, 2005:36). در تعریفی عام و فراگیر می‌توان برنامه‌ریزی شهری را به عنوان هر نوع دخالتی که به تغییر در نظام موجود منجر می‌شود، معرفی کرد. این تعریف بلافاصله مسئله چگونگی این دخالت را در نظر متبادر می‌سازد، هم اکنون ابزارهای دخالت در جامعه ما از چنان بنیان محکم و روشنی برخوردار نیست که بتواند در تعیین سرنوشت نظام فضایی متمر ثمر واقع شود. بر این اساس هدف و وظیفه علمی، ترجمه عوامل فضایی (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و...) به زبان فضایی است تا از این رهگذر مطالعه فقر را آسان سازد (زنگنه، ۱۳۸۹: ۳).

علیرغم توجه خاصی که به موضوع فقر شهری در مطالعات شهری جهان حاضر شده و می‌شود، جایگاه این‌گونه مطالعات در پژوهش‌های جغرافیایی کشورمان چه در بعد نظری و چه در ابعاد آماری خالی است و در این رابطه نوعی خلأ احساس می‌شود. البته مقوله فقر شهری در حوزه‌های علوم اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. نظر به اینکه فقر دارای ویژگی‌های جغرافیایی در ابعاد مکان و زمان (Time and Space) بوده و با توجه به این که تقویت حس نوع‌دوستی و تلاش برای بهبود زندگی بشر از مهم‌ترین اهداف آموزشی جغرافیا است ارائه چنین پژوهش‌هایی ضمن غنی‌سازی ادبیات جغرافیای کشورمان می‌تواند به عنوان راهنمایی مناسب برای تدوین برنامه‌های عدالت اجتماعی و فقرزدایی در فضاهای شهری مورد استفاده قرار گیرد. شهر تبریز امروزه به عنوان پنجمین شهر پرجمعیت ایران می‌باشد که دچار شهرنشینی و شهرگرایی سریع شده است و این خود باعث کمبود خدمات و دسترسی امکانات به شهروندان

در سیاست‌گذاری و مدیریت توسعه انسانی در بسیاری از کشورهای مواجه با آن دنبال می‌شود و این امر نیازمند اتخاذ روش‌های علمی به‌ویژه در تعیین جغرافیایی پهنه‌های فقیرنشین شهری از طریق کاربرد مدل‌ها و تعریف شاخص‌های مناسب جهت تعیین ابعاد متفاوت فقر شهری است. شهری شدن فقر از بزرگ‌ترین چالش‌های توسعه جهانی است که در صورت تداوم روند نامطلوب کنونی، در طی سه دهه آتی شامل دو میلیارد نفر ساکنان نواحی فقیرنشین خواهد شد (UN-Habitat, 2005).

بدیهی است اجرای سیاست‌های کاهش فقر، بدون تعیین گستره و ابعاد آن‌ها، موفقیت چندانی نخواهد داشت و اصولاً یکی از مسائل مهم در تدوین برنامه‌های کاهش فقر، اطلاع از گستردگی فقر حاکم بر جامعه و عوامل مؤثر بر آن است. پس از تعیین گستره فقر و اطلاع از عوامل تعیین‌کننده آن با بصیرت بیشتری می‌توان به تصریح اهداف و گزینش روش‌های عملی اجرای برنامه‌های کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد اقدام نمود. آشکار است که عدم شناخت صحیح فقر و ابعاد آن و کم‌توجهی به عوامل تأثیرگذار آن در برنامه‌های مختلف، باعث سیاست‌گذاری‌های نامناسب، ائتلاف منابع کمیاب اقتصادی، عقیم ماندن تلاش‌ها و برنامه‌ها و تداوم فقر و ممانعت از دستیابی به توسعه پایدار می‌گردد. بنابراین شناخت صحیح فقر، ابعاد آن و شناسایی عوامل تعیین‌کننده آن می‌تواند به عنوان راهنمایی مناسب برای تدوین برنامه‌های فقرزدایی و استفاده بهینه از منابع در سطح ملی تلقی گردد (محمدزاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۲).

مفهوم فقر، فقر شهری و ویژگی‌های آن

بررسی ادبیات فقر حاکی از آن است که تاکنون تعریف‌های گوناگونی از فقر بسته به شرایط مکانی و زمانی مختلف، بیان و بر اساس آن معیارهای گوناگونی برای سنجش فقر ارائه شده است (زیبائی و شیروانیان، ۱۳۸۸: ۱۶). کلمه فقر، کلمه‌ای است با بار منفی که شامل کلماتی چون محرومیت و کمبود می‌باشد (طارمی، ۱۳۸۷: ۱۶). فقر شهری پدیده چندبعدی

به‌وضوح نشان‌دهنده اختلاف فضایی فقر در محدوده شهر کامیاران است.

- روستایی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی موضوعی تحت عنوان "الگوی تطبیقی گسترش فقر در شهر کرمانشاه در دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵" پرداخته‌اند که این مقاله نیز برای شناخت توزیع فضایی فقر شهری در شهر کرمانشاه از اطلاعات بلوک‌های آماری سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ و نیز از ۳۳ شاخص که با روش‌های آماری به ۴ عامل ترکیبی تبدیل و با بهره‌گیری از مدل تحلیل عاملی ارزیابی شده، استفاده گردیده است. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که در شهر کرمانشاه در سال ۱۳۷۵ بیشترین تعداد بلوک‌ها مربوط به بلوک‌های شهری متوسط است ولی در سال ۱۳۸۵ بیشترین تعداد بلوک‌ها را بلوک‌های فقیر به خود اختصاص داده است.

- افتخاری و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان بررسی وضعیت فقر در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد با استفاده از پرسش‌نامه و خط فقر غذایی و با استفاده از روش انرژی دریافتی مواد غذایی به این نتیجه رسیدند که حدود ۳۲ درصد نمونه‌های این بررسی زیرخط فقر قرار دارند.

- یوسفی و ورشوئی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای "تحت عنوان نابرابری اجتماعی در فضای شهری مشهد: برآوردی از نابرابری‌های درآمدی و تحصیلی در نواحی شهر" به موضوع توسعه نامتوازن فضایی شهر مشهد پرداخته است.

- نورمحمدی و حاضری (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان "عوامل مرتبط با فقر شهری ایران طی سال‌های (۱۳۸۵-۱۳۶۳)" به مسائل فقر شهری پرداخته است.

- مجیدی‌خامنه و محمدی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای تحت عنوان درآمدی بر شناخت و سنجش فقر شهری به شناخت دقیق ابعاد مختلف فقر از طریق روش‌های رایج پرداخته است.

مبانی نظری

امروزه در تلاش جهت تحقق توسعه انسانی، سنجش و تعیین فقر شهری موضوعی است که

می‌تواند قانونا ملک ساکنان به شمار آید و یا به تصرف غیرقانونی آن‌ها درآمده باشد (پاتر و ایوانز، ۱۳۸۴: ۱۶). اگرچه گستره‌های فقر شهری، پدیده‌ای تازه در ادبیات شهرشناسی نبوده و از آن در جوامع کهن‌سال هم یاد می‌شود، اما چنین سکونتگاه‌هایی در ابعاد گسترده و به‌صورت مجتمع، پدیده‌ای است که با ورود سرمایه‌داری به دومین مرحله خود، یعنی سرمایه‌داری صنعتی و برهم خوردن نظام بومی سکونت در گستره‌های جغرافیایی عینیت یافته است (پیران، ۱۳۸۱: ۱۳). چراکه شهر می‌بایست چون شهرهای اروپای غربی و امریکای شمالی بر شانه‌های صنعت قوام یابد. این امر در کشورهای جنوب با رشد خیره‌کننده بخش سوم اقتصاد یعنی رشد خدمات از یک‌سو و استحصال بخش کشاورزی در روستاها از دیگر سوی رخ داد (Mansoor Rezaee, 2010: 68). از این‌رو شهرنشینی به شکل فزاینده در کشورهای توسعه‌نیافته در حالی با مهاجرت‌های سریع روستاییان اتفاق می‌افتد که تمامی مهاجران قادر به سکنی‌گزینی در گستره‌های مناسب شهری نبوده و به‌واسطه فقر خود، مکان‌هایی را متناسب با درآمد انتخاب می‌کنند که دارای استانداردهای پایینی از لحاظ کیفیت زندگی هستند. در پی چنین روندی است که پهنه‌های فقر در قالب و گونه‌های متفاوت در شهرها شکل گرفته و در گذر زمان بسط می‌یابند (UN_Habitat, 2005).

دوگانگی شهری نمودی از فقر شهری: در جغرافیای شهری، دوگانگی شهری با عناوینی مختلف مورد بحث قرار می‌گیرد، اما در بیشتر موارد، هدف از به کارگیری این مفهوم، تبیین افزایش قطبی شدن جامعه شهری میان طبقه پردرآمد و کم‌درآمد شهرها است. محققان از آن با عناوینی مانند شهر روشنی‌ها و شهر تاریکی‌ها یاد می‌کنند. این دوگانگی در شهرهای جهان سومی از شهرهای کشورهای توسعه‌یافته، بسیار عمیق‌تر و گسترده‌تر است. زیرا اکثریت جامعه شهری با طبقه متوسط شهری است. از طرفی دیگر فقرای کشورهای توسعه‌یافته همواره مورد حمایت قرار دارند.

است و شهرنشینان به خاطر بسیاری از محرومیت‌ها؛ از جمله عدم دسترسی به فرصت‌های اشتغال، مسکن و زیرساخت‌های مناسب، نبود تأمین اجتماعی و دسترسی به بهداشت، آموزش و امنیت فردی در رنج و مضیق‌ه‌اند. فقر شهری تنها محدود به ویژگی‌های نام‌برده نبوده و اشاره به شرایط ناپایدار منجر به آسیب‌پذیری و ناتوانی در مقابل آسیب‌ها نیز دارد (Baharoglu and Kessides, 2002: 2). فقر شهری ضرورتاً به معنای ناتوانی انجام فعالیت‌های اقتصادی نیست و شهرها فرصت‌های اقتصاد بیشتر برای مهاجران کم درآمد فراهم می‌آورند ولی در مقابل فرصت‌های محدودی را در مشارکت برای اداره شهری، برخورداری از خدمات و فرصت‌های توسعه نیز مهیا می‌سازد (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۳۸). زندگی در شهرهای فقرزده به معنی اقتصادی است که تولید آن برای زنده ماندن است، دهد (Fay, 2005: 2). فقر شهری دارای ویژگی‌هایی است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. در شهر فقیر مهارت کم، دستمزد پایین، بیکاری بالا است؛
۲. محل کار اغلب در بخش غیررسمی و بدون بیمه‌های اجتماعی است؛
۳. بیکاری جوانان مشکل بزرگی است که با مسائل اجتماعی مرتبط است؛
۴. نبود امنیت اجتماعی. به‌طور معمول زندگی در زاغه‌های پرزدحام، فقدان زیرساخت، کیفیت ابنیه پایین، دسترسی محدود به خدمات، تصرف زمین‌های غیرقانونی از ویژگی‌های شهرهای فقیر است (Baker, 2009: 7). از دیگر مشخصه‌های فقیران درآمد کم، کمبود بهداشت و بی‌سوادی، دسترسی به امکانات بهداشتی پایین است که از مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ریشه گرفته است (Moser et al., 1996: 9).

گستره ی فقر شهری: گستره‌های فقر را می‌باید باز نمود فضایی مکانی فقر در پهنه‌های شهری معرفی نمود. آبرامز^۱ در ۱۹۷۰ گستره فقر را چنین معرفی نموده است " محله‌هایی که از انبوه اجاره‌نشینان های تهی‌دست پدید آید، یا از کسانی که مالک ملک در حال انحطاط خویش‌نشانند، زمین این قبیل خانه‌ها

سنجش تغییرات فضایی فقر بر اساس شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی طی بازه زمانی ۸۵-۱۳۷۵ از روش Crosstab در محیط نرم‌افزار IDRISI استفاده گردیده است.

تحلیل لکه‌های داغ^۳: تحلیل لکه‌های داغ آماره گتیس-ارد جی^۴ را برای کلیه عوارض موجود در داده‌ها محاسبه می‌نماید. امتیاز Z محاسبه شده نشان می‌دهد که کجای داده‌ها مقادیر کم و زیاد خوشه‌بندی شده‌اند. این ابزار در حقیقت به هر عارضه در چهارچوب عوارضی که در همسایگی‌اش قرار دارند نگاه می‌کند. اگر عارضه‌ای مقادیر بالا داشته باشد جالب و مهم است، ولی به تنهایی ممکن است یک لکه داغ معنادار از نظر آماری نباشد. برای اینکه یک عارضه لکه داغ تلقی شود و از نظر آماری معنادار نیز باشد باید هم خودش و هم عوارضی که در همسایگی‌اش قرار دارند دارای مقادیر بالا باشند. جمع محلی^۵ یک عارضه و همسایگانش به‌طور نسبی با جمع کل عارضه‌ها مقایسه می‌شود. زمانی که جمع محلی به‌طور زیاد و غیر منتظره‌ای از جمع محلی مورد انتظار بیشتر باشد و اختلاف به اندازه‌ای باشد که نتوان آن را در نتیجه تصادف دانست، در نتیجه امتیاز Z به دست خواهد آمد. آماره گیتس-ارد جی به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$G_i^* = \frac{\sum_{j=1}^n w_{i,j} x_j - \bar{X} \sum_{j=1}^n w_{i,j}}{S \sqrt{\frac{n \sum_{j=1}^n w_{i,j}^2 - \left(\sum_{j=1}^n w_{i,j} \right)^2}{n-1}}}$$

پترمارکوز^۱، در برابر نظریه دوگانگی شهر، نظریه چهار بخش بودن شهر را پیشنهاد می‌کند که شامل شهر تجملی، شهر اصالت‌پذیر، شهر حومه‌ای و شهر آلونک‌ها و اجاره‌نشین‌ها است (شکویی، ۱۳۷۳: ۴۸۵-۴۸۲). نمونه‌های دیگر دوگانگی و فقر شهری را می‌توان در مفاهیم گتوهای شهری یا شهر آپارتایدی یافت که در واقع "جزایر فقر" را در میان دریای شهر می‌سازند. لوئیس ویرث^۲، از بزرگان مکتب جامعه‌شناسی شهری شیکاگو، رساله دکتری خود را در مورد گتوها کرده است. او گتو را محلی می‌داند که به دلیل پذیرش اولیه مهاجران به مثابه ابزاری ضروری برای فرهنگ‌پذیری آن‌ها و جلوگیری از وارد آمدن ضربه فرهنگی به ایشان عمل می‌کند. گتو در واقع با ایجاد یک فاصله اجتماعی ضروری میان خرده‌فرهنگ مهاجر و فرهنگ غالب و قدرتمند جامعه، به مهاجران امکان می‌داد که خود را برای ورود به آن جامعه آماده کنند. این امر نیز بر اساس یک حرکت فضایی انجام می‌گرفت که به شکل جابه‌جایی مسکونی و خروج از گتو دیده می‌شد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۸۹-۱۸۸).

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی است و از نظر ماهیت و روش تحقیق مورد استفاده از نوع روش‌های توصیفی-تحلیلی-تطبیقی است. جامعه آماری شهر تبریز طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵ است. با توجه به بانک اطلاعاتی بلوک‌های آماری سال‌های ۷۵ و ۸۵، شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی استخراج شده‌اند برای نشان دادن وضعیت فقر از تکنیک خودهمبستگی فضایی با استفاده از تحلیل لکه‌های داغ در نرم‌افزار Arc/GIS استفاده گردیده‌است. برای تحلیل الگوهای پراکنش فقر شهری از آماره موران استفاده شده‌است. همچنین برای

3. Hot Spot Analysis
4. Getis- Ord Gi
5. Local Sum

1. Peter Marcuse
2. Louis Wirth

جدول ۱: شاخص‌ها و مؤلفه‌های تحقیق

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
میزان سواد، متوسط بعد خانوار، جوانی جمعیت، نرخ سالخوردگی، نرخ بی‌سوادی، نرخ بی‌سوادی در جمعیت لازم‌التعلیم، میزان اشتغال به تحصیل، میزان اشتغال به تحصیل به زنان، نرخ باسوادی در بزرگسالان	شاخص‌های اجتماعی
نرخ بیکاری، بیکاری مردان، بیکاری زنان، بار تکفل، مشارکت اقتصادی، مشارکت اقتصادی زنان، ضریب تکفل، میزان اشتغال، بار معشیت، بار تکفل خالص، نرخ سرباری، بار اقتصادی، نسبت وابستگی، میزان فعالیت عمومی	شاخص‌های اقتصادی
تراکم جمعیتی شهری، تراکم جمعیت در واحد مسکونی، تراکم مسکونی جمعیت، تراکم واحد مسکونی، تراکم ناخالص مسکونی، تراکم نفر در واحد مسکونی، تراکم خانوار در واحد مسکونی	شاخص‌های کالبدی

منبع: مطالعات میدانی نگارندگان ۱۳۹۳

آماره موران^۱

از جمله ابزارهایی که در زمینه تحلیل الگوهای پراکنش و توزیع عوارض و پدیده‌ها در فضا و مکان به کار برده می‌شود تحلیل خودهمبستگی فضایی که به آماره موران نیز معروف است. ابزار آمار فضایی، خودهمبستگی فضایی یکی از کاربردی‌ترین و مهم‌ترین ابزارهای تحلیلی برای تحقیق در مورد داده‌های فضایی است. این تحلیل نه تنها به خودی خود اطلاعات مفیدی در مورد ارتباط درونی عوارض به‌دست می‌دهد، بلکه نتایج آن برای بسیاری از تحلیل‌های پیچیده‌تر آماری نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند (عسگری، ۱۳۹۰: ۶۰). ابزار تحلیل خود همبستگی فضایی موران به بررسی خود همبستگی فضایی بر اساس مکان دو مقدار و خصیصه مورد نظر عوارض جغرافیایی می‌پردازد. این تحلیل الگوی توزیع عوارض در فضا را با ملاحظه همزمان موقعیت مکانی و خصیصه مورد ارزیابی قرار می‌دهد. نتایج حاصل از این تحلیل نشان می‌دهد که آیا عوارض به‌صورت تصادفی، پراکنده، و یا خوشه‌ای در فضا توزیع شده‌اند. این ابزار در حقیقت آماره و یا شاخص موران را محاسبه می‌کند و با استفاده از امتیاز استاندارد Z و P- Value به ارزیابی و معنادار بودن شاخص محاسبه‌شده می‌پردازد. شاخص موران برای خودهمبستگی فضایی به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$I = \frac{n \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n w_{i,j} z_i z_j}{S_0 \sum_{i=1}^n z_i^2}$$

1. Morans I

روش Crosstab: این روشی است که تغییرات حاصل

بین دو دوره را به‌صورت جداول متعامد و پیکسل دار نشان می‌دهد. همچنین در این روش تغییرات سلولی به‌صورت پیکسل‌های ارزش‌دار نشان داده می‌شود.

محدوده مورد مطالعه

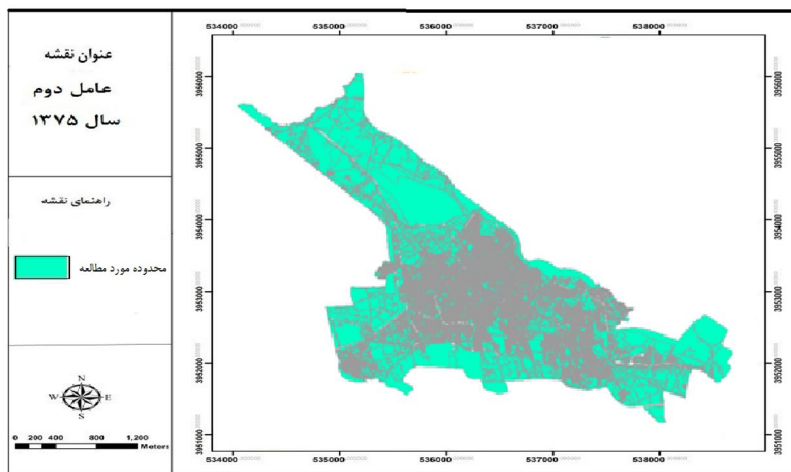
تبریز، مرکز استان آذربایجان شرقی یکی از شهرهای بزرگ ایران است. این شهر بزرگ‌ترین شهر منطقه شمال غرب کشور بوده و قطب اداری، ارتباطی، بازرگانی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و نظامی این منطقه شناخته می‌شود (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۰: ۸۱). تبریز، در منطقه‌ای به وسعت ۱۵۰ کیلومتر مربع گسترده شده است. محدوده مورد مطالعه ما در این پژوهش مناطق هشتگانه شهرداری تبریز در سال ۱۳۷۵-۱۳۸۵ است.

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

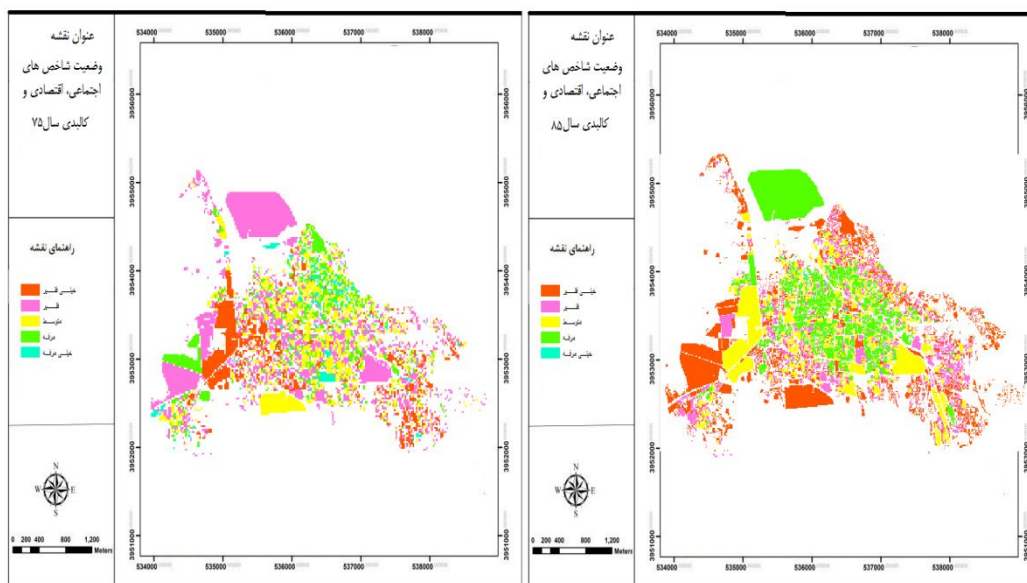
در پژوهش حاضر، بعد از محاسبه کردن شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی از روی بلوک‌های آماری، تحلیل لکه‌های داغ را برای هر یک از شاخص‌های مطرح‌شده به‌طور جداگانه انجام داده‌ایم. این تحلیل آماره گتیس-ارد جی را برای کلیه عوارض موجود در داده‌ها محاسبه می‌نماید. همچنین با توجه به امتیاز Z محاسبه‌شده می‌توان نشان داد که در کجا داده‌ها با مقادیر زیاد یا کم خوشه‌بندی شده‌اند. در واقع هرچه امتیاز Z بزرگ‌تر باشد، مقادیر بالا به میزان زیادی خوشه‌بندی شده و لکه داغ را تشکیل می‌دهد. در مورد Z منفی و معنادار از نظر آماری، هرچه امتیاز Z کوچک‌تر باشد به معنی

برای سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ را به وجود آوریم. این نقشه‌ها با توجه به شاخص موریس در ۵ سطح طبقه‌بندی شده است نقشه زیر وضعیت شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در بلوک‌های شهری تبریز در سال ۱۳۷۵ را نشان داده شده است.

خوشه‌بندی شدیدتر مقادیر پایین خواهد بود که در واقع نشانگر لکه‌های سرد هستند. بعد از مشخص شدن لکه‌های داغ و سرد برای هر شاخص به تلفیق این نقشه‌ها پرداخته‌ایم تا نقشه‌ی واحدی تحت عنوان وضعیت شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی



نقشه ۱: محدوده مورد مطالعه



نقشه ۲: وضعیت تلفیق شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در بلوک‌های شهری تبریز در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

کالبدی خیلی فقیر هستند ۱۰۷۵ بلوک از بلوک‌های شهری را شامل می‌شوند که با توجه به نقشه‌ی بالا بیشتر این بلوک‌ها در حاشیه‌ها تمرکز دارند و با رنگ قرمز نشان داده شده‌است. بلوک‌های فقیر که با رنگ بنفش در نقشه بالا مشخص شده است ۱۴۶۷ بلوک از

نقشه ۲ وضعیت شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی را در بلوک‌های شهری سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ نشان می‌دهد بر اساس داده‌های آماری در سال ۱۳۷۵، ۹۷۷۷ بلوک شهری را در اختیار داریم. بلوک‌هایی که دارای شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و

که بارنگ صورتی در نقشه بالا مشخص شده‌اند، بیشترین تعداد بلوک‌های شهری سال ۸۵ را دارا می‌باشند که شامل ۴۴۳۳ بلوک است که همانند بلوک‌های خیلی فقیر بیشتر در حاشیه‌ها دیده می‌شوند. بلوک‌های متوسط و مرفه به ترتیب برابر ۲۳۷۱ و ۱۴۴۴ بلوک از بلوک‌های شهری سال ۸۵ را به خود اختصاص داده‌اند که این بلوک‌ها بیشتر در بلوک‌های مرکزی تمرکز یافته‌اند. بلوک‌های خیلی مرفه تنها شامل ۴۱۲ بلوک شهری است که به علت تعداد کم این بلوک‌ها در نقشه قابل مشاهده نیست. جدول شماره (۲) تعداد و درصد پراکنش فضایی فقر را در بلوک‌های شهر تبریز با توجه به شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ نشان می‌دهد.

بلوک‌های سال ۷۵ را در اختیاردارند و با توجه به نقشه تقریباً در تمام فضاهای شهری دیده می‌شود. بلوک‌های متوسط، مرفه و خیلی مرفه به ترتیب ۳۴۲۲، ۲۵۴۲ و ۱۲۷۱ بلوک از بلوک‌های شهری را شامل می‌شوند که بیشتر بلوک‌های مرکزی و شمال شرقی را شامل می‌شوند. در سال ۱۳۸۵ ما دارای ۱۰۳۰۹ بلوک شهری هستیم که از این تعداد بلوک، بیشترین تعداد بلوک‌های شهری شامل بلوک‌های خیلی فقیر شهری است که تعداد این بلوک‌ها برابر با ۱۶۴۹ بلوک است. همان طوری که در نقشه بالا ملاحظه می‌کنیم این بلوک‌ها در بلوک‌های حاشیه‌ای دیده می‌شوند. تعداد بلوک‌های شهری تبریز در سال ۱۳۸۵ برابر ۱۰۳۰۹ بلوک است که با توجه به تعداد بلوک‌های شهری تبریز در سال ۱۳۷۵، ۵۳۲ بلوک به این بلوک‌ها افزوده شده است. با توجه به نقشه ۲ بلوک‌های فقیر

جدول ۲: مقایسه تطبیقی نواحی شهری تبریز از منظر تحلیل سازمان فضایی فقر (۱۳۷۵-۱۳۸۵)

شاخص‌ها طبقات جامعه	سال ۱۳۷۵			سال ۱۳۸۵			تلفیق شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی	تلفیق شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی
	شاخص‌های اجتماعی	شاخص‌های اقتصادی	شاخص‌های کالبدی	شاخص‌های اجتماعی	شاخص‌های اقتصادی	شاخص‌های کالبدی		
خیلی فقیر	تعداد	۱۰۷۵	۱۸۵۸	۳۲۲۶	۱۰۷۵	۴۸۴۵	۲۰۶۲	۲۱۶۵
	درصد	٪۱۱	٪۱۹	٪۳۳	٪۱۱	٪۴۷	٪۲۰	٪۱۷
فقیر	تعداد	۱۴۶۷	۲۳۴۶	۱۴۶۷	۱۴۶۷	۱۹۵۹	۳۵۰۶	۳۷۱۱
	درصد	٪۱۵	٪۲۴	٪۱۵	٪۱۵	٪۱۹	٪۳۴	٪۳۰
متوسط	تعداد	۳۴۲۲	۳۱۲۸	۲۴۴۴	۳۴۲۲	۱۷۵۳	۲۶۸۰	۱۱۳۴
	درصد	٪۳۵	٪۳۲	٪۲۵	٪۳۵	٪۱۷	٪۲۶	٪۶
مرفه	تعداد	۲۵۴۲	۱۸۵۸	۲۲۴۹	۲۵۴۲	۱۲۳۷	۱۹۵۹	۱۵۴۶
	درصد	٪۲۶	٪۱۹	٪۲۳	٪۲۶	٪۱۲	٪۱۹	٪۵
خیلی مرفه	تعداد	۱۲۷۱	۵۸۷	۳۹۱	۱۲۷۱	۵۱۵	۱۰۲	۱۷۵۳
	درصد	٪۱۳	٪۶	٪۴	٪۱۳	٪۵	٪۱	٪۴۲

منبع: یافته‌های تحقیق

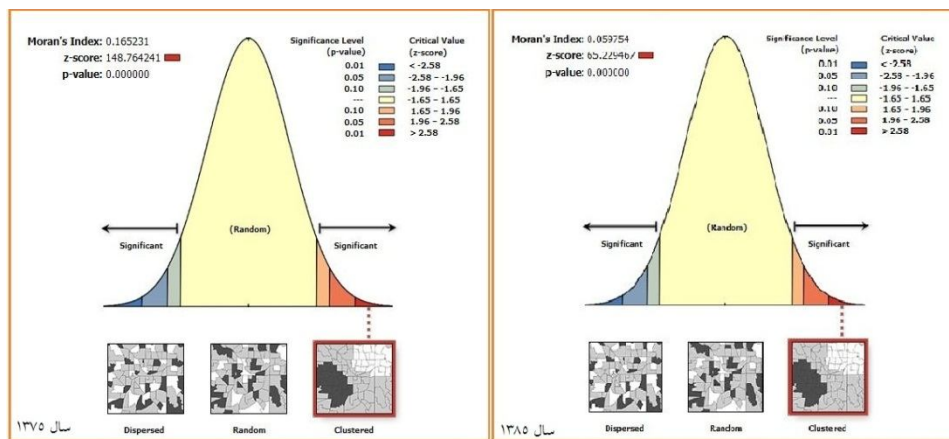
بگیریم که شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ دارای خود همبستگی فضایی هستند و این شاخص‌ها در بلوک‌های آماری به شکل خوشه‌ای توزیع شده‌اند. این شاخص همچنین برای شاخص‌های فوق در ۱۳۷۵ امتیاز Z برابر با ۱۴۸,۷۶۴۲۴۱ و در سال ۱۳۸۵ امتیاز Z برابر با ۶۵,۲۲۹۴۶۷ را نشان می‌دهد. جدول (۳)، جدول توصیف عددی و شکل شماره (۱)، شکل گرافیکی شاخص موران برای شاخص‌های اجتماعی اقتصادی و کالبدی مورد بررسی نشان می‌دهد.

در این پژوهش برای آگاهی از نوع پراکنش فضایی فقر در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ از تحلیل خودهمبستگی فضایی (شاخص موران) استفاده شده است. شاخص موران برای شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی سال ۱۳۷۵ و سال ۱۳۸۵ که بر اساس میانگین این شاخص‌ها محاسبه شده برابر است با ۰,۱۶۵۲۳۱ و ۰,۰۵۹۷۴۵ است و از آنجا که مقدار این شاخص برای سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ مثبت و نزدیک به یک است و همچنین با توجه به مقدار p-value آن‌ها که بسیار کوچک است می‌توانیم نتیجه

جدول ۳: جدول توصیفی تحلیل خودهمبستگی فضایی با توجه به تلفیق شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهر تبریز در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵.

خلاصه نتایج تحلیل خودهمبستگی فضایی (شاخص موران)		
سال ۱۳۸۵	سال ۱۳۷۵	
۰,۰۵۹۷۴۵	۰,۱۶۵۲۳۱	شاخص موران
-۰,۰۰۰۰۱۰۲	۰,۰۰۰۰۹۷	شاخص مورد انتظار
۰,۰۰۰۰۰۱	۰,۰۰۰۰۰۱	واریانس
۶۵,۲۲۹۴۶۷	۱۴۸,۷۶۴۲۴۱	امتیاز Z
۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	ارزش P

منبع: یافته‌های تحقیق

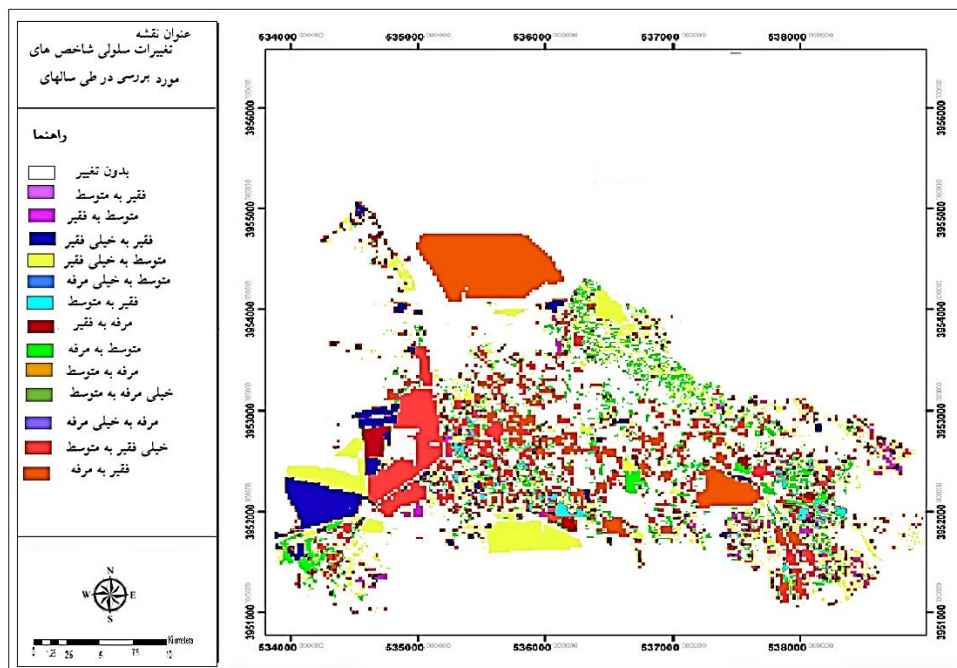


شکل ۱: شکل گرافیکی تحلیل خود همبستگی فضایی برای شاخص‌های تلفیق شده اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵.

متعامد، استخراج گردیده‌اند؛ شکل زیر فرایند استخراج تغییرات شاخص‌ها را نمایش می‌دهد. که در این شکل‌ها حرکات سلولی شاخص‌ها (بلوک به بلوک) و میزان تغییر آن‌ها نمایش داده شده است.

تغییرات سلولی شاخص‌ها در شهر تبریز در بازه زمانی ۱۳۷۵-۱۳۸۵ نشان می‌دهد که بیشترین تغییرات رخ داده در سلول‌ها و بلوک‌های شهری مربوط به متوسط به فقیر که اکثراً در بلوک‌های شمال و شمال شرق شهر است. و همچنین تغییرات خیلی فقیر به فقیر که این تغییرات مربوط به بلوک‌های حاشیه‌ای و میانی شهر تبریز می‌باشد و کمترین تغییرات مربوط به تغییرات فقیر به مرفه می‌باشد که به علت تعداد کم این بلوک‌ها، تغییرات آن‌ها در نقشه مشهود نیست.

بعد از نشان دادن وضعیت فقر در فضاهای شهری تبریز در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و نحوه پراکنش فقر شهری در این سال‌ها به بررسی میزان تغییرات شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۵ پرداخته می‌شود. بدین منظور از روش Crosstab یا جداول متعامد استفاده گردیده‌است. برای بررسی میزان تغییرات شاخص‌های محدود مورد مطالعه از یک روش پیکسل مدار استفاده گردیده‌است؛ به عبارتی نقشه‌های حاصل از تلفیق شاخص‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی در محیط GIS به نرم‌افزار IDRISI انتقال داده شده و با استفاده از روش LCM و Crosstab تغییرات حاصل از این پیکسل‌های ارزش‌دار شاخص‌ها در بازه‌ی زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ به صورت مقایسه پیکسلی در جداول



نقشه ۳: تغییرات سلولی شاخص های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی طی دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۸۵

نتیجه گیری و ارائه پیشنهادها

اصولاً پیش شرط اصلی موفقیت در هر برنامه ای "شناخت" درست از آن پدیده ای است که سعی در برنامه ریزی در جهت آن داریم. به نظر می رسد در برنامه های فقرزدایی این شناخت به درستی صورت نگرفته و به نحوی پیش رفته که تمام برنامه ها و فرایندها را تحت تأثیر خود قرار داده است. چراکه فقر مسئله ای اجتماعی است و یا دست کم مسئله ای اقتصادی-اجتماعی است و چنین مسئله را نمی توان صرفاً با ابزاری اقتصادی حل کرد. منطق استدلال می کند که ابزار باید مناسب اهداف باشد. همچنین برای از بین بردن مسئله فقر شهری ابتدا باید به شناسایی عوامل فقر شهری پرداخت تا برای کاهش آن اقدامات لازم انجام پذیرد. به طور کلی تحلیل فضایی فقر شهری می تواند به شناسایی مناطقی که از شرایط نامناسب برخوردار هستند کمک کند و با مکان یابی این مناطق و اتخاذ تصمیمات و سیاست های آگاهانه نابرابری را در فضاهای شهری کاهش دهد. از این رو انجام این گونه پژوهش ها برای آگاهی از نوع پراکنش فقر شهری و سنجش تغییرات آن امری ضروری به نظر می رسد. در این پژوهش نتایج نشان می دهد که

در شهر تبریز از سال ۷۵ تا ۸۵ طبقه خیلی فقیر از ۱۱٪ به ۱۶٪، طبقه فقیر از ۱۵٪ به ۴۳٪، طبقه متوسط از ۳۵٪ به ۲۳٪، طبقه مرفه از ۲۶٪ به ۱۴ درصد و طبقه خیلی مرفه از ۱۳٪ به ۴٪ تغییر پیدا کرده است در سال ۷۵ نسبت به سال ۸۵ تعداد بلوک های خیلی فقیر از ۱۰۷۵ به ۱۶۴۹ بلوک، بلوک های فقیر از ۱۴۶۷ به ۴۴۳۳ بلوک، بلوک های متوسط از ۳۴۲۲ به ۲۳۷۱ بلوک، بلوک های مرفه از ۲۵۴۲ به ۱۴۴۴ بلوک، بلوک های خیلی مرفه از ۱۲۷۱ به ۴۱۲ بلوک تغییر یافته اند. همچنین بر اساس یافته های تحقیق شاخص موران برای شاخص های اقتصادی-اجتماعی و کالبدی سال های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ که بر اساس میانگین این شاخص ها محاسبه شده به ترتیب برابر است با ۰,۱۶۵۲۳۱ و ۰,۰۵۹۷۴۵ است از آنجا که مقدار شاخص موران برای هر دو گروه مثبت و نزدیک به یک است همچنین با توجه به مقدار p-value که بسیار کوچک است می توانیم نتیجه بگیریم که شاخص های اقتصادی-اجتماعی و کالبدی ما برای هر دو سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ دارای خود همبستگی فضایی هستند و این شاخص ها در بلوک های آماری به شکل خوشه ای توزیع

در صورت توقف حمایت‌های دولت، آنان قادر به کنترل شرایط و احیای زندگی خود باشند.

- تشکیل دفاتری در شهرداری‌های مناطق شهری، که در زمینه مدیریت مشارکتی با انجمن‌های محلی سازوکارهای مناسب را اعمال نماید؛

- رویکرد همه‌جانبه‌ای برای پیگیری اقدامات همزمان و تلفیق یافته‌های کالبدی-اجتماعی-اقتصادی شهر انجام گیرد؛

منابع

۱. افتخاری سیدفرخ. کرمی آیت‌اله کرمی و مهدی نوری‌پور. ۱۳۹۰. بررسی وضعیت فقر در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد. اقتصاد کشاورزی، جلد ۶، شماره ۱، صص ۲۰۴-۱۷۹.
۲. بلوک آماری شهر تبریز. ۱۳۷۵.
۳. بلوک آماری شهر تبریز. ۱۳۸۵.
۴. پیران، پرویز. ۱۳۸۱. بازهم در باب اسکان غیر رسمی، مورد شیرآباد زاهدان. مجله هفت شهر، سال سوم شماره ۱ و ۲، صص ۲۴-۷.
۵. دانشنامه جهان اسلام، جلد ۲، ت، زیر نظر: غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۰. سر واژه تبریز، ص ۳۸۱.
۶. رابرت. ب. پاتر-سلی لوید. ایونز. ۱۳۸۴. شهر در جهان در حال توسعه. ترجمه کیومرث ایراندوست و میترا احمدی، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۷. روستایی، شهریور. اکبر اصغری زمانی و محسن احدنژاد و علیرضا زنگنه. ۱۳۹۰. الگوی تطبیقی گسترش فقر در شهر کرمانشاه در دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵. فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳، صص ۴۰-۱۷.
۸. زنگنه، علیرضا. ۱۳۸۹. شناخت الگوی فضایی گسترش فقر شهری با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در شهر کرمانشاه طی سالهای (۱۳۷۵-۱۳۸۵). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: دکتر شهریور روستایی. دانشگاه زنجان، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری.
۹. زبائی، منصور. عبدالرسول شیروانیان. ۱۳۸۸. بررسی اثرات متغیرهای اقتصاد کلان بر نرخ فقر شهری و

شده‌اند. تغییرات سلولی شاخص‌ها در شهر تبریز در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵ نشان می‌دهد که بیشترین تغییرات رخ داده در سلول‌ها و بلوک‌های شهری مربوط به متوسط به فقیر که اکثراً در بلوک‌های شمال و شمال شرق شهر است و همچنین تغییرات خیلی فقیر به فقیر که این تغییرات مربوط به بلوک‌های حاشیه‌ای و میانی شهر تبریز می‌باشد و کمترین تغییرات مربوط به تغییرات فقیر به مرفه می‌باشد. مهم‌ترین راهکارها برای برون‌رفت از مشکل فقر بنا بر شرایط کنونی در شهر تبریز به شرح زیر توصیه می‌گردد:

- برنامه‌های فقرزدایی با وجود مبتنی بودن بر سیاست‌های کلان و برنامه‌ریزی‌های فراگیر، باید به‌صورت محلی و منطقه‌ای اجرا شوند. محلی و منطقه‌ای کردن برنامه‌های کلان کشوری منجر به انعطاف‌پذیری برنامه‌ها در جهت هماهنگی با امکانات، استعدادها و نیازهای منطقه و محله‌ها خواهد شد، بنابراین ضروری است که در مناطق مختلف سطح شهر تبریز برنامه‌های مختلف و همسو با آن مناطق را به اجرا درآورد.
- برنامه‌های فقرزدایی باید به سمتی حرکت کنند که از تمرکزگرایی موجود بپرهیزند و زمینه مشارکت گروه‌های هدف را فراهم آورند. ماهیت مشارکتی برنامه‌ها باعث می‌شود که در مرحله تدوین نیازها شناخته شوند، در مرحله تنظیم اولویت‌ها برجسته گردند و اجرای آن‌ها با سرعت و کیفیت بالایی صورت گیرد.
- در اختیار قرار دادن کمک‌های نقدی و غیر نقدی به نیازمندان، تسکین موقتی فقر است و برای توقیف آن باید منابع درآمدزا را از طریق اشتغال آنان فراهم آورد.
- اشتغال مهم‌ترین اهرم کمکی و نظم‌دهنده مورد نیاز حال حاضر اقتصاد ایران و به‌ویژه اقتصاد طبقات فقیر (مناطق اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشین شهر تبریز) است.
- سیاست‌های اجتماعی به نفع فقرا باید بر محوریت توانمندسازی و توجه به قابلیت‌های آنان بچرخد تا

- Inequality in China, Discussion Paper No. 4877.
19. Suryahadi, A., Yumna, A., Reku Raya, U. and Marbun, D. 2010. "Review of Government's Poverty Reduction Strategies, Policies, and Programs in Indonesia.
20. Baharoglu, Deniz and Kessides, Christine 2002. "Urban poverty" A Sourcebook for Poverty Reduction Strategies, Chapter 16.
21. Baker, J. 2009. "Meeting the Challenge of Urban poverty and Slums", The World Bank.
22. Fay, M. 2005. "The Urban Poor in Latin America" The World Bank, Washington, D.C.
23. Mansoor Rezaee, Majid, Esmaily, Shabnam, 2010. "Transformation of Public Space Leads to Transformation of Neighborhood Identity", 14th IPHS Conference, Istanbul, Turkey.
24. Masika, Rachel, Dehaan, Arjan, Baden, Sally, 2001. "Urbanization and Urban Poverty: A Gender Analysis, Bridge.
25. Moser, Caroline. Gate, Micheat. 1996. "House and Helen Circa", Washington, D.C.
26. Ravallion, M. 1998. "Poverty Lines in Theory and Practice", LSMS Working Paper, No. 133, Word Bank.
27. Simler, kenneh. Harrower, Sarah. Massigarella, Claudio, 2003. "Estimating Poverty Indices Form Simple Indicators Surveys.
28. Spoor, Max Institute of Social Studies The Hague, the Netherlands (2005) "Globalisation, Poverty and conflict.
29. UN-Habitat 2005. Slums of the word, the face of urban poverty in the new millennium.
- روستایی در ایران. فصلنامه اقتصاد کشاورزی، جلد ۳، شماره ۲، صص ۱۵-۳۶.
۱۰. شکویی، حسین. ۱۳۷۳. دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. تهران، انتشارات سمت.
۱۱. طارمی، علی. ۱۳۸۷. سنجش فقر شهری در محله اسلام آباد زنجان با استفاده از GIS. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: دکتر شهریور روستایی. دانشگاه زنجان، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری.
۱۲. فکوهی، ناصر. ۱۳۸۳. انسان‌شناسی شهری، نشر نی، تهران.
۱۳. مجیدی خامنه، بتول. علیرضا محمدی. ۱۳۸۴. درآمدی بر شناخت و سنجش فقر شهری. جغرافیا (نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران) دوره جدید، سال سوم، شماره ۶ و ۷ پاییز و زمستان ۱۳۸۴. صص ۱۴۵-۱۳۵.
۱۴. محمدزاده، پرویز، فیروز فلاحی و صمدحکمتی فرید. ۱۳۸۹. بررسی فقر و عوامل تعیین کننده آن در بین خانوارهای شهری کشور. فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی شماره ۲ زمستان ۱۳۸۹، صص ۶۴-۴۱.
۱۵. نورمحمدی، مهدی. حاتف حاضری. ۱۳۸۷. عوامل مرتبط با فقر شهری ایران طی سال‌های (۱۳۸۵-۱۳۶۳). فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰، صص ۴۰۰-۳۶۷.
۱۶. یوسفی، علی. سمیه ورشوئی. ۱۳۸۹. نابرابری اجتماعی در فضای شهری مشهد: برآوردی از نابرابری‌های درآمدی و تحصیلی در نواحی شهر. مجله مطالعات اجتماعی ایران، زمستان ۱۳۸۹، شماره ۱۲، صص ۱۸۳-۱۵۲.
17. Martin Ravallion 2007. Urban Poverty, Finance and Development, A quarterly magazine of the IMF, 44: 3.
18. Dewen Wang and Albert Park, 2010. Migration and Urban Poverty and